

تکفین میت

۱. پس از غسل دادن میت، واجب است که او را کفن کنند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم درباره شخصی که در حالت احرام از روی شتر به زمین افتاد و فوت کرد، فرمود: او را با همان لباس احرام، کفن کنید. متفق علیه
۲. کفن یا قیمت آن، از مال میت تهیه شود. اگر چه بجز قیمت کفن، چیز دیگری نداشته باشد. خباب بن ارت می گوید: با رسول الله صلی الله علیه و سلم بخاطر رضای خدا، هجرت کردیم. بعضی از ما از دنیا رفتند بدون اینکه پاداشی از جهان، نصیب شان شود. از جمله، مصعب بن عمیر رضی الله عنه را می توان نام برد که در روز احد به شهادت رسید و جز یک نمد، چیز دیگری از خود، باقی نگذاشت. اگر سرش را با آن می پوشانیدیم پاهایش برهنه می شد و اگر پاهایش را می پوشانیدیم، سرش برهنه می شد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: سرش را بپوشانید و بر پاهایش برگ اذخر بگذارید. و برخی دیگر از ما (که زنده ماندیم) تلاشهایمان به نتیجه رسید و هم اکنون از ثمرات مادی آن، بهره می بریم. بخاری و مسلم
۳. بهتر است که کفن بزرگ و گشاد باشد و تمام بدن میت را بپوشاند، جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم سخنرانی کرد و درباره یکی از یارانش که فوت کرده بود و شب هنگام با کفنی کوتاه دفن شده بود، سخن گفت. و افزود: میت را شب هنگام دفن نکنید تا بر او نماز بخوانند مگر ناچار باشید. و در پایان فرمود:
هنگامی که برادر مسلماتان را کفن می کنید، او را نیکو کفن بپوشانید. مسلم، ابن الجارود الوداود
منظور از نیکو کفن کردن این نیست که اسراف شود و از پارچه های گرانبه استفاده گردد. بلکه هدف اینست که کفن، پاکیزه و کامل باشد.
۴. اگر پارچه کفن کم بود، از قسمت سر میت شروع کنند تا هر جا که برسد. و باقیمانده بدنش را با گیاه اذخر یا هر گیاهی دیگر، بپوشانند. در این باره دو حدیث وجود دارد.
اول: حدیث خباب در مورد مصعب است که بعلت کوتاه بودن کفن اش رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود:
کفن ها را از طرف سرش شروع کنید و روی پاهایش برگ اذخر بگذارید.
دوم: حدیث حارثه بن مضرب است که می گوید: نزد خباب رفتم. او که هفت جای شکمش را داغ کرده بود. گفت: اگر از رسول الله صلی الله علیه و سلم نشنیده بودم که آرزوی مرگ نکنید، آرزوی مرگ می کردم. من زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم را که همراه ایشان بودم، بیاد می آورم آن زمان یک درهم نداشتم و اکنون چهل هزار درهم در گوشه خانه ام وجود دارد. سپس، کفنش را در آوردند. هنگامی که چشمش به آن افتاد، گریه کرد و گفت: حمزه جز یک چادر کتانی، کفنی دیگر نداشت. وقتی سرش را می پوشانند، پاهایش برهنه می شد و هنگامی که پاهایش را می پوشانند، سرش برهنه می ماند. سرانجام پاهایش را با برگ اذخر پوشانیدند. احمد با سند صحیح.

۵. اگر تعداد مردگان زیاد بود. و پارچه باندازه کافی برای کفن کردن وجود نداشت، می توان تعدادی از آنها را با یک کفن پوشاند. و هر کدام که قرآن بیشتر می داند در قبر، جلوتر از دیگران قرار گیرد. انس رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم حمزه رضی الله عنه را در یک چادر کفن کرد. و چنان کوچک بود که اگر سرش پوشانده می شد، پاهایش برهنه می ماند و اگر پاهایش پوشانده می شد، قسمت سرش برهنه می ماند. سرانجام، سرش پوشانده شد. و آنحضرت صلی الله علیه و سلم جز حمزه، بر کسی دیگر از شهدای احد، نماز نخواند و فرمود: من آنروز گواه شما هستم. راوی می گوید: تعداد شهدا زیاد بود و پارچه کم داشتیم. دو الی سه نفر را در یک قبر می گذاشتیم. رسول الله صلی الله علیه و سلم از ما پرسید: کدام یک قرآن را بهتر و بیشتر می داند؟ آنگاه دستور می داد که او را جلوتر در لحد بگذارند. و دو یا سه نفر را در یک پارچه کفن می کردند. ابوداود، ترمذی، حاکم و بیهقی، احد، طبرانی و ابونعیم و حدیث، حسن است. ابن تیمیه می گوید: یعنی یک کفن را چند قطعه می کردند و بخشی از جسم هر کدام را می پوشانیدند.

۶. بیرون آوردن لباسهای شهید که در آنها به شهادت رسیده است، جایز نیست. بلکه با همان لباسها دفن گردد. زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم درباره شهدای احد، فرمود: «زملوهم فی ثیابهم» آنها را با لباسهایشان دفن کنید. (روایت احمد) و در روایت دیگری از احمد چنین آمده است: «زملوهم فی دمائمهم» آنها را با خون شان دفن کنید.

۷. مستحب است که پارچه ای دیگر، روی لباسهای شهید گذاشته شود. همانطور که رسول الله صلی الله علیه و سلم با مصعب بن عمیر و حمزه بن عبدالمطلب چنین کرد.

۱- شداد بن الهاد می گوید: مردی بادیه نشین نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و مسلمان شد. سپس گفت: می خواهم با شما هجرت کنم. رسول الله صلی الله علیه و سلم بعضی از یارانش را در مورد او سفارش کرد. در غزوه خیبر، که آنحضرت صلی الله علیه و سلم غنیمت بدست آورد، رسول الله صلی الله علیه و سلم برای او سهمی در نظر گرفت. صحابه سهمش را به او دادند. وی محافظ پشت جبهه بود. هنگامی که سهمش را به او دادند، گفت: این چیست؟ گفتند: سهمی است که رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را برای تو در نظر گرفته است. آن را برداشت و نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: این چیست؟ پیامبر فرمود: سهم توست. گفت: من به خاطر این چیزها ایمان نیاورده ام. بلکه ایمان آورده ام تا تیری به گلویم اصابت کند و بمیرم و به بهشت بروم. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: اگر راست می گویی خدا تو را به آرزویت خواهد رساند. پس از مدت کوتاهی مبارزه با دشمن، آغاز شد پس از اتمام جنگ او را که تیری به گلویش اصابت کرده بود روی دستها گرفته، نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آوردند. آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود: این همان مرد است؟ عرض کردند: بلی. فرمود: او با خدایش صادق بود، خداوند نیز او را به آرزویش رساند. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم او را در عبای خود کفن کرد. (یعنی عبای اش را روی لباسهای او قرار داد). آنگاه بروی نماز خواند. و برایش چنین دعا کرد: پروردگارا! این بنده تو است. و بخاطر خشنودی تو هجرت کرده و به شهادت رسیده و من گواه این مطلب هستم. عبدالرزاق، نسائی، طحاوی، حاکم و بیهقی و سند آن، صحیح است.

۲- زبیر بن عوام رضی الله عنه می گوید: روز غزوه احد، زنی دوان دوان آمد و نزدیک بود به شهدا برسد. رسول الله صلی الله علیه و سلم دوست نداشت که آن زن شهدا را ببیند. فرمود: مواظب آن زن باشید. راوی می گوید: دیدم که او، مادرم صفیه است. با شتاب به

سوی او رفتیم و قبل از اینکه به شهدا برسیم، خود را به او رساندم. او که زنی قوی و تنومند بود، با دست به سینه ام زد و گفت: دور شو. از این کار خوشم نمی آید. گفتم: این دستور رسول الله صلی الله علیه و سلم است. آنگاه ایستاد و دو پارچه از زیر چادرش بیرون آورد و گفت: خبر شهادت برادرم؛ حمزه؛ به من رسیده است. این دو قطعه پارچه را آورده ام تا او را با اینها کفن کنید. زبیر می گوید: پارچه ها را آوردیم تا حمزه را کفن کنیم. ولی دیدم شهید دیگری از انصار، کنار حمزه افتاده و مانند او مثله شده است. شرم کردیم که حمزه را در دو پارچه کفن کنیم و مرد انصاری بدون کفن، بماند. آن دو قطعه را اندازه گرفتیم. یکی از آنها بزرگتر بود. لذا قرعه انداختیم و سرانجام هر کدام را در پارچه ای که بنامش قرعه بیرون شده بود، کفن کردیم. احمد و بیهقی و حدیث، صحیح است.

۸. محرم اگر فوت کند، در همان لباس احرام، کفن گردد. رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد محرمی که از روی شتر افتاد و مرد، فرمود: او را در همان پارچه های احرام، کفن کنید.

در کفن رعایت نکات زیر مستحب است:

۱. سفید بودن کفن. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «الْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَإِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ وَكَفَّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ» احمد، ابن ابی شیبہ، ابن حبان، حاکم، بیهقی و حدیث صحیح است. **(لباس سفید بپوشید. زیرا لباس سفید بهترین لباس شما است و مردگانتان را نیز در پارچه سفید کفن کنید).**
۲. کفن، شامل سه قطعه پارچه باشد: عایشه رضی الله عنها می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم را در سه پارچه یمنی سفید و کتانی، کفن کردیم که در آنها پیراهن و عمامه وجود نداشت. ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، بیهقی، احمد، ضیاء و ترمذی. حاکم آنرا بر اساس شرط مسلم صحیح قرار داده است و ذهبی نیز آنرا صحیح دانسته است.
۳. در صورت امکان، یکی از سه پارچه کفن خط دار باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «إِذَا تَوَفَّي أَحَدَكُمْ فَوَجَدَ شَيْئًا فَلْيَكْفِنْ فِي ثَوْبِ حَبْرَةَ» ابن الجارود. **(هرگاه کسی از شما فوت کرد، اگر برایش مقدور بود، در پارچه ای خط دار، کفن گردد).**
۴. کفن را سه بار، مواد خوشبو بزنند. رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «إِذَا جُمِرْتُمِ الْمَيْتَ فَاجْمُرُوا ثَلَاثًا». ابوداود و بیهقی و سند آن صحیح است. **(هرگاه میت را مواد خوشبو زدید، سه بار بزنید).**
۵. برای کفن پارچه گرانقیمت و همچنین بیشتر از سه قطعه جایز نیست. زیرا این کار، خلاف سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و تزیین مال است و شریعت از اسراف، منع کرده است. بویژه اگر زندگان به آن نیاز داشته باشند. رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا قِيلَ وَقَالَ وَإِضَاعَةَ الْمَالِ وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ». بخاری و مسلم. **(خداوند سه چیز را برای شما حرام کرده است: بحث و جدل، ضایع کردن مال و به کثرت سوال کردن را).**

۶. کفن زن هم مانند کفن مرد است و هیچ دلیلی بر تفاوت کفن زن و مرد وجود ندارد.

و حدیث لیلی دختر قائف ثقفی که می گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم دخترش را در پنج قطعه پارچه کفن نمود، صحیح نیست. زیرا یکی از راویانش به نام نوح بن حکیم ثقفی فردی ناشناخته است و همچنین این حدیث، مشکلی دیگر دارد که زیلعی آنرا در نصب الرایه (۲/ ۲۵۸) بیان نموده است. و روایتی دیگر که می گوید: زینب دختر رسول الله صلی الله علیه و سلم در پنج قطعه پارچه، کفن گردید، روایتی شاذ و منکر (غیر قابل استدلال) است. برای توضیح بیشتر می توانید به سلسله ضعیفه (۵۸۴۴) مراجعه نمایید.

[telegram.me/ahkamjanayezqeshm](https://t.me/ahkamjanayezqeshm)